

دوتا ۳۰۴	عهد جدید / ۲۱
	دوم قرن تیان
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی ، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. هنگامی که به این برنامه گوش می‌دهید ، در دفترتان ، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز رساله دوم به قرن تیان را معرفی می‌کنیم. و درباره نویسنده و ویژگیهای رساله و موجبات و هدف و تاریخ و محل نگارش آن و نیز پیام اصلی آن مطالبی خواهیم آموخت.

نکته ۱- نویسنده و ویژگیهای دوم قرن تیان

رساله با این کلمات آغاز می‌شود: "پولس که به خواست خدا ، رسول عیسی مسیح هستم". در محافل معتبر علمی در این خصوص که پولس نویسنده رساله دوم به قرن تیان باشد ، بحثی وجود ندارد. شواهد و قرائن موجود در خود رساله و در تاریخ ، همگی به پولس اشاره دارند. در هیچ رساله‌ای تا این حد "اطلاعات مربوط به شرح حال شخصی" نمی‌یابیم. در هیچ رساله‌ای تا این حد "اشارات بدون توضیح" به اشخاص و موقعیت‌ها و رویدادها نمی‌یابیم که هم نویسنده و هم مخاطبانش به روشنی با آنها آشنایی کامل داشتند و نیاز به توضیح دقیق‌تر در مورد اسامی و مکان‌ها و زمان‌ها نبود. اگر این نامه جعلی بود، نویسنده جاعل نهایت کوشش خود را می‌کرد تا تمام جزئیات را برای خوانندگان خود توضیح دهد تا به آنان این تصور را بدهد که با این داده‌ها به خوبی آشنایی دارد. هیچ جاعلی به "سختی‌هایی" که در ایالت آسیا گریبانگیر پولس شد اشاره نمی‌کرد (۱: ۸)؛ یا به "رؤیاهایی که به هنگام برده شدن به آسمان" و "خاری" که به دنبال آن در بدن او ظاهر شد اشاره نمی‌کرد بدون آنکه اطلاعات دقیق‌تری در مورد ماهیت این تجارب بدهد (۲: ۱۲-۱۲). هیچ جاعلی اطلاعاتی به "برادرانی" که تیطوس را به قرن تیس همراهی کردند نمی‌داد بدون آنکه به نام آنان اشاره کند (۸: ۱۸ ، ۲۳ ؛ ۱۲: ۱۸). هیچ شهادتی نمی‌توانست چنین تغییرات ناگهانی در حالت بیان را که میان شادی و محبت و اشتیاق و بعد پرداختن ناگهانی به مسائل دیگر مشاهده می‌کنیم ارائه دهد ، تغییراتی که ویژگی این رساله است. پولس مانند سایر رسالاتش ، به معلمان دروغین و تعالیم دروغینشان اشاره می‌کند و در این امر ، بجای حمله مستقیم ، از طنز بهره می‌جوید. وجه مشخصه این رساله ، "تعلیم دادن آموزه‌های والا" ، و "احساسات گرم" ، و "ابراز احساسات خودجوش" و "تعالی روحانی" است. ویژگی خاص نامه دوم به قرن تیان ، تأکید بر این حقیقت است: "پیروزی فیض خدا در تجربیات هرروزه فرد مسیحی و از طریق آنها ، در هر شرایطی که پیش آید ، چه شرایط پیروزمندانه باشد و چه شرایط رنجبار."

نکته ۲- موجبات نگارش دوم قرن تیان و هدف آن

اول- دوم قرن تیان توضیحی است در باره علت تغییر برنامه سفر پولس

این هدف بطور خاص در فصل‌های ۱-۷ روشن می‌شود. در دوم قرن تیان ۱: ۱۵-۱۶ ، پولس گفته بود که قصد اولیه‌اش این بوده که دو بار از مسیحیان قرن تیس ملاقات به عمل آورد. برنامه او این بود که پیش از سفرش به مقدونیه ، از قرن تیس بازدید کند و بار دیگر به هنگام بازگشتش از مقدونیه. اما خبرهای مشوش‌کننده در باره اوضاع حاکم بر کلیسای قرن تیس ، سبب شد که بجای آن ، او تیموتائوس را نزد ایشان بفرستد (اول قرن تیان ۴: ۱۷) و نامه اول را به ایشان بنویسد. او این نامه دوم را به دست تیطوس به قرن تیس فرستاد و در آن به تغییر برنامه سفرش اشاره می‌کند. پولس رساله اولش به قرن تیان را اینچنین توصیف می‌کند: "نوشتن آن نامه برایم دشوار بود ، چون بی‌نهایت اندوهگین و محزون بودم. راستش را بخواهید ، به هنگام نوشتن ، گریه می‌کردم" (۲: ۴). او گفت که نامه اولش به قرن تیان را نوشت "تا ببینیم که تا چه حد از من اطاعت می‌کنید" (۲: ۹) چرا که به برخی ناهنجاریهای جدی در کلیسای قرن تیس پرداخته بود.

پولس با تیطوس قرار گذاشته بود تا او را در بازگشتش از قرن تیس ، در شهر تروآس ملاقات کند ، اما سرانجام در مقدونیه به دیدار هم نائل شدند. تیطوس اخباری از قرن تیس آورده بود که هم دلگرم‌کننده بود و هم مأیوس‌کننده. خبر دلگرم‌کننده این بود که اکثر مسیحیان قرن تیس به نامه اول پولس با اندوهی الهی و توبه و اکنش نشان دهند ، طوری که مشتاق بودند خود را از گناهان کلیسا پاک سازند (۷: ۵-۱۱). خبر مأیوس‌کننده این بود که هنوز گروهی سرکش در داخل کلیسای قرن تیس وجود داشت. این گروه که از سوی برخی انبیای دروغین تحریک می‌شدند ، اتهاماتی نادرست بر علیه پولس رسول عنوان کرده بودند.

دوم- رساله دوم قرن تیان اندرزی است ملاطفت‌آمیز در خصوص تکمیل کار جمع‌آوری هدایا برای مسیحیان نیازمند در اورشلیم.

این هدف در فصل‌های ۸-۹ به گونه‌ای مشخص مشاهده می‌شود. مسیحیان قرن تیس می‌بایست وضعیت داخلی خود را برای دیدار سوم پولس سامان می‌بخشیدند. ایشان یک سال پیش از آن ، یعنی در سال ۵۵ میلادی ، کاری را شروع کردند ولی هرگز به پایان نرساندند؛ این کار ، جمع‌آوری هدیه برای مسیحیان نیازمند اورشلیم بود. امکان دارد که علت غفلت در این امر ، منازعات داخلی خودشان بوده باشد یا تحریک معلمان دروغین که مایل بودند پولس را بی‌اعتبار سازند. با اینحال ، پولس تیطوس را با این نامه دوم پیش از خود فرستاد تا بر امر جمع‌آوری هدایا نظارت کند.

این هدف در فصل‌های ۱۰-۱۳ به‌گونه‌ای مشخص مشاهده می‌شود. (۱۱: ۱-۱۵). بعضی از معلمان دروغین که ادعا می‌کردند که "رسول" هستند، وارد رده‌های کلیسای قرننس شده بودند. ایشان برای آنکه موقعیت خود را تحکیم بخشند، تا آن حد پیش رفتند که می‌کوشیدند پولس را بی‌اعتبار سازند و اصالت خدمت رسالت او را زیر سؤال ببرند. ایشان چند اتهام دروغ بر علیه پولس عنوان کردند:

یک. "معلمان دروغین می‌گفتند که پولس قابل اعتماد نیست زیرا برنامه سفر خود را تغییر داده است" (۱: ۱۷). پولس در پاسخ به این اتهام می‌گوید که برنامه سفرش را تغییر داد تا دیدار دردناک و حزن‌آلود دیگری از آنان به عمل نیاید (۱: ۲۳؛ ۲: ۱). برنامه جدید او این بود که بجای دو دیدار، فقط یک دیدار طولانی با آنان داشته باشد و حتی زمستان را با آنان به‌سر ببرد. و او قصد کرد تا نامه دوم به قرننیاں را به‌دست تیطوس برای ایشان بفرستد تا ایشان را برای دیدار سومش از قرننس آماده سازد. او می‌خواست نخست به مقدونیه سفر کند و بعد به قرننس. از آنجا می‌خواست به اورشلیم سفر کند.

دو. "معلمان دروغین اظهار داشتند که پولس، رسولی اصیل و راستین نیست، زیرا بدون توصیه‌نامه به قرننس رفته بود" (۱۲: ۱۱). این معلمان دروغین موفق شده بودند با توسل به توصیه‌نامه‌هایی که در بدو ورود "به کلیسای قرننس" ارائه داده بودند، به داخل رده‌های هیأت رهبری کلیسای قرننس نفوذ کنند ("به شما"، ۳: ۱). این افراد هنگام ترک قرننس انتظار داشتند توصیه‌نامه‌های مشابهی را از "کلیسای قرننس" دریافت کنند تا به کلیسای ناآگاه دیگری نفوذ کنند ("از شما"، ۳: ۱). این معلمان دروغین تا حد بسیار زیادی بر این توصیه‌نامه‌ها بعنوان مجوز آزادی خود برای عرضه کردن کالاهای روحانی خویش، و برای سودبردن شخصی، متکی بودند (۴: ۲ مقایسه کنید با اول تیموتائوس ۶: ۳-۵). پولس در پاسخ به اتهامات وارد آمده، به مسیحیان قرننس یادآوری کرد که "رنجها" (۴: ۸-۱۲ و ۶: ۴-۱۰ و ۱۱: ۲۳-۳۳)، "مکاشفات" (۱: ۱۲-۱۰)، و "نشانه‌ها و آیاتی" که بدست او ظاهر شده بود (۱۲: ۱۲) "همگی اصالت رسالت او را ثابت می‌کنند". بنیاد کلیسای قرننس را پولس نهاده بود. درخواست توصیه‌نامه از او، یا این درخواست که او برای خدمت یا خصائل خود نیاز به توصیه‌نامه از خودش داشته باشد، کاری مسخره بود. خصوصیت‌های شخصیتی و کیفیت خدمت او و ثمرات روحانی خدمات او به تنهایی کافی بودند تا ثابت کنند که او برآستی رسول عیسی مسیح است.

اما این بدان معنا نیست که پولس مخالف توصیه‌نامه بود. چنین نامه‌هایی رسم شده بود و در کلیسای اولیه مسیحی برآستی وجود آنها لازم بود، زیرا معلمان دروغین زیادی ظاهر شده بودند. این معلمان دروغین قصد داشتند با تحمیل خود بر کلیساهای محلی بعنوان معلمان یا واعظان دورمگرد، حضوری انگل‌وار و سربرار داشته باشند. رساله اول پولس به قرننیاں توصیه‌نامه‌ای محبت‌آمیز برای تیموتائوس بود (۱۶: ۱۰-۱۱)؛ و دومین نامه او به قرننیاں توصیه‌نامه‌ای محبت‌آمیز برای تیطوس و همراهانش بود (۸: ۲۲-۲۴). پولس معتقد بود که این معلمان دروغین معرفی‌نامه‌های مشکوک داشتند و ماجراجویانی نالایق بودند.

سه. "معلمان دروغین اظهار داشتند که اقتدار و سخنوری پولس چشمگیر و تأثیرگذار نیست". آنها اظهار می‌داشتند که پولس هرچند از دور و در نامه‌ها تأثیرگذار بنظر می‌آید، اما در برخورد نزدیک تأثیر چشمگیری بر جای نمی‌گذارد و پیام او سزاوار گوش سپردن نیست (۱۰: ۱۰-۱۱ و ۱۱: ۱۱-۱۲). این معلمان دروغین احتمالاً از یهودیان یونانی‌زبان بودند که در علوم منطق و سخنوری تربیت یافته بودند (اعمال ۶: ۹ و ۶: ۲۹ و ۲۱: ۲۷). پاسخ پولس به این اتهام این بود که زمانی که به قرننس برود، با اعمال خود به این معلمان و رسولان دروغین، اقتدار و قدرت سخنوری خود را نشان خواهد داد (۱: ۲۳ و ۲: ۱ و ۱۳: ۲ و ۱۰: ۴ مقایسه شود با اول قرننیاں ۴: ۱۹-۲۱).

چهار. "معلمان دروغین اظهار می‌داشتند که پولس هیچگونه محبتی ندارد و شخصی فریبکار است، زیرا حمایت‌های مالی دیگران را قبول نمی‌کند". آنها شایعه پراکنده که عدم‌علاقه پولس برای قبول کمک‌های مسیحیان قرننس برای رفع نیازهای مادی او، نشانه عدم محبت او نسبت به آنان بود (۱۱: ۱۱). آنها حتی بدروغ به پولس تهمت زدند که او حتماً از مبالغ جمع‌آوری شده برای استفاده شخصی خود برداشت کرده است (۱۲: ۱۸). پولس پاسخ داد که او برخلاف آن معلمان دروغین که در ازای موعظه‌های خود پول درخواست می‌کردند، هدفش آن بود که بدون دریافت پول برای مسیحیان قرننس موعظه کند و به آنان تعلیم بدهد (۱۱: ۷-۱۲). هدف او آن بود که هیچگاه سربرار آنها نباشد (۱۲: ۱۳؛ مقایسه شود با اول قرننیاں ۹: ۷-۱۸). و پولس بطور کامل انکار کرد که او و همکارانش از آنان بهره‌برداری شخصی کرده‌اند (۱۲: ۱۴-۱۸).

رساله دوم به قرننیاں بیشتر به این قصد نوشته شد تا اتهامات و تهمت‌هایی را که علیه او و به قصد مسموم ساختن اذهان مسیحیان قرننس اظهار شده بود، رد کند. این نامه، دفاعیه پولس از شرافت شخصیت و رسالت خویش است. همچنین این نامه، هویت آن متجاوزین را بعنوان افراد متقلب فاش می‌سازد (۱۱: ۱۳-۱۵). قصد پولس آن نبود که بخاطر نفع شخصی از خود دفاع کند، بلکه قصد او محافظت از کلیسایی بود که خدا از طریق او بنیاد نهاده بود. این به اصطلاح رسولان دروغین، انجیلی دیگر تعلیم می‌دادند که با انجیلی که خود مسیح به پولس سپرده بود بسیار تفاوت داشت (۱۱: ۴؛ مقایسه شود با غلاطیان ۱: ۶-۹). پولس تهمت‌های ردیالانه آنان را بی‌اعتبار خواند و به آنان هشدار داد که قصد دارد با هر کسی که در کلیسا تولید مشکل کند، با جدیت برخورد کند (۱۰: ۶ و ۱۳: ۱۰).

نکته ۳. تاریخ و مکان نگارش دوم قرننیاں

پولس زمانی که در سال ۵۶ میلاد مسیح هنوز در افسس خدمت می‌کرد، تیطوس را با اولین رساله خود به قرننیاں به شهر قرننس فرستاد تا آنها را برای سفر سوم خود از پیش آماده سازد و خصوصاً اینکه تیطوس در کار تکمیل جمع‌آوری اعانات برای مسیحیان نیازمند در اورشلیم نظارت داشته باشد. پولس با تیطوس هماهنگ کرده بود تا در راه بازگشت از تروآس

با او ملاقات کند. او در تروآس دری گشوده برای موعظه انجیل یافته بود. از آنجایی که او نتوانست تیطوس را در تروآس بباید، از مقدونیه عبور کرد و احتمالاً به فیلیپی یا بندر آن بنام نئاپولیس رسید. آنجا او تیطوس را ملاقات کرد (۲: ۱۲-۱۳ و ۷: ۵-۷). اخباری که تیطوس حامل آنها بود سبب گردید تا پولس نامه‌ای دیگر، یعنی رساله دوم به قرنتیان را بنویسد. تیطوس این نامه را به همراه خود به قرنتس بازگرداند. اعمال ۲۰: ۲-۳ و رومیان ۱۵: ۱۹ ذکر می‌کنند که پولس در آن زمان مشغول خدمت در نواحی مقدونیه تا ایلیریوم بود. بنابراین او رساله دوم به قرنتیان را از نقطه‌ای در مقدونیه نوشت.

در دوم قرنتیان ۸: ۱۰ پولس به "سال گذشته" اشاره می‌کند. این باید زمانی در سال ۵۵ میلادی بوده باشد، یعنی زمانی که تیطوس به قرنتس سفر کرده بود، و با همکاری مسیحیان قرنتس، کار جمع‌آوری اعانات برای نیازمندان اورشلیم را آغاز کرده بود. این باید زمانی قبل از نوشته شدن رساله اول به قرنتیان بوده باشد. احتمالاً تیطوس حامل اولین نامه‌ای بوده که پولس خطاب به قرنتیان نوشت، یعنی همان نامه‌ای که او در اول قرنتیان ۵: ۹ به آن اشاره کرده است و بعدها مفقود گردید. بنابراین رساله دوم قرنتیان در پاییز سال ۵۶ میلاد مسیح، یعنی حدود شش ماه پس از نوشته شدن رساله اول به قرنتیان باید نوشته شده باشد. هدف او از نوشتن آن نامه تعلیم دادن این مطلب بود که "قوت خدا در ناتوانی رسول ظاهر می‌شود".

نکته ۴. تقسیم‌بندی دوم قرنتیان

می‌توان این عنوان را بر رساله دوم پولس به قرنتیان گذاشت: "دوم قرنتیان - پیروزی فیض خدا بر ناتوانی انسانی و از طریق ناتوانی انسانی"، یا "دوم قرنتیان - کفایت کامل فیض خدا که از طریق ضعف، قوت می‌بخشد". این رساله عیسی مسیح را بعنوان "کفایت ما" معرفی می‌کند، یعنی در تمام شرایطی که در آن قرار داریم، نیاز ما چیزی کمتر یا بیشتر از خود شخص عیسی مسیح نیست.

"مضمون" رساله دوم قرنتیان در دوم قرنتیان ۳: ۵-۶ ذکر شده است: "قادر نخواهیم بود با تکیه به نیروی خود، کار با ارزشی برای خدا انجام دهیم، چون قابلیت‌ها و موفقیت‌های ما از خداست. اوست که ما را توانایی بخشیده تا به مردم اعلام نماییم که خدا برای نجات بشر، عهد و پیمان جدیدی فراهم کرده است".

"ساختار" رساله دوم به قرنتیان با سفر سوم پولس که قرار بود در آینده صورت بگیرد، مشخص می‌گردد. این رساله را می‌توان بصورت سه بخش تقسیم‌بندی کرد:

"بخش اول به گذشته می‌پردازد: پولس برای اهالی قرنتس تغییر برنامه سفرش را توضیح می‌دهد".

او به مرور "گذشته" خود می‌پردازد، یعنی به تجربه‌های اخیر که داشته و تأثیر آنها بر کلیسای قرنتس. اولین بخش در فصل‌های ۱-۷ ذکر شده است. این بخش متشکل از پنج قسمت می‌باشد:

در فصل ۱: ۱-۱۱ پولس می‌فرماید پس از روبرو شدن با مرگ در آسیا، او اکنون قادر است تا به مردم مصیبت‌دیده در قرنتس تسلی ببخشد.

در فصل‌های ۱: ۱۲ تا ۲: ۴، او درباره تغییر در برنامه سفر سخن می‌گوید و اینکه آمدن خود را به قرنتس به این قصد به تأخیر انداخت تا موجب ناراحتی بیشتر آنها نباشد.

در فصل ۲: ۵-۱۱ او دستور می‌دهد که شخص خاصی اهل قرنتس را بازگردانند.

در فصل ۲: ۱۲-۱۳، که ادامه آن در فصل ۷: ۵-۱۶ است، او می‌فرماید که از افسس به سمت تروآس رفته بود تا با تیطوس دیدار کند و پیام انجیل را در تروآس موعظه کند. زمانی که موفق نشد تیطوس را در تروآس بباید، به سوی مقدونیه سفر کرد.

در فصل‌های ۲: ۱۴ تا ۷: ۵ او توضیح می‌دهد که چگونه دری برای موعظه انجیل در تروآس گشوده شد، و خبر خوبی که از قرنتس رسیده بود، سبب شد تا پولس توجه خود را بر "پیروزیها و جلال خدمت مسیحی، حتی در حین رنج بردن" معطوف گرداند. در اینجا او بطور گسترده از موضوع اصلی مورد گفتگو خارج می‌شود، اما از محتوای اصلی نامه دور نمی‌شود. فصل ۷: ۵-۱۶ ادامه قسمت پنجم است. آن حزن و غمی که نامه اول پولس به قرنتیان در ایشان ایجاد کرده بود، اینک برای خیریت آنها عمل می‌کرد و این باعث دلگرمی پولس شد.

"بخش دوم به زمان حال می‌پردازد: پولس از اهالی قرنتس می‌خواهد تا خود را برای دیدار قریب‌الوقوع او آماده کنند"

، یعنی کار جمع‌آوری اعانات برای مسیحیان نیازمند اورشلیم را کامل کنند."

او اشتیاق "فعلی" خود را برای ادامه یافتن فعالانه کار جمع‌آوری اعانات برای مسیحیان نیازمند اورشلیم ابراز می‌کند.

بخش دوم در فصل‌های ۸-۹ آمده است. این بخش متشکل از سه قسمت می‌باشد:

فصل ۸: ۱-۱۵ درباره الگوی بخشش سخن می‌گوید، که با نمونه بخشش ایثارگرانه اهالی مقدونیه و خود عیسی مسیح توضیح داده می‌شود.

فصل‌های ۸: ۱۶ تا ۹: ۱۵ درباره نظارت بر هدایای مسیحیان صحبت می‌کند.

فصل ۹: ۱۵-۱۶ درباره نتایج بخشش سخاوتمندانه صحبت می‌کند.

"بخش سوم به آینده می‌پردازد: پولس در مورد قطعی بودند و قریب‌الوقوع بودن سفر خود، به قرنتیان اطمینان خاطر

می‌بخشد"

او بار دیگر از خود در برابر اتهامات دروغینی که از سوی مخالفان بر او وارد آمده بود، دفاع می‌کند و به قرنتیان اطمینان می‌دهد که هدف او از سفر "آتش" نه خراب کردن، بلکه بنا کردن آنها است.

بخش سوم در فصل‌های ۱۰-۱۳ آمده است. این بخش متشکل از سه قسمت می‌باشد:

در فصل ۱۰، پولس به مخالفان خود در کلیسای قرنتس یادآور می‌گردد که شهر قرنتس در محدوده رسالت او قرار دارد.

در فصلهای ۱۱: ۱ تا ۱۲: ۱۳ او به مخالفان خود هشدار می‌دهد که نباید تصور کنند او رسولی دروغین و تقلبی است. رنجها ، مکاشفات ، و آیات و نشانه‌های ظاهر شده بدست او ، رسالت او را ثابت می‌کنند.

در فصلهای ۱۲: ۱۴ تا ۱۳: ۱۴ او به قرن‌تیان اطمینان می‌دهد که هدف او از انجام سفر سوم خود برای آن نیست که باری بر دوش آنها بگذارد ، یا اینکه بخواهد از آنها بهره‌برداری بکند ، یا آنها را خراب کند ، بلکه تا آنها را بنا نماید.

نکته ۵. پیام اصلی دوم قرن‌تیان

مضمون اصلی دوم قرن‌تیان این است: "کفایت کامل فیض خدا که از طریق ضعف ، قوت می‌بخشد". این مضمون با کل بحث درباره اصالت اقتدار رسالت پولس ، در ارتباط تنگاتنگ می‌باشد. دشمنان پولس او را متهم می‌کردند که انسانی است ضعیف ، غیرقابل‌اعتماد ، غیرقابل‌ملاحظه ، عاری از محبت و شخصی فریبکار. پولس در حالیکه در تمام طول رساله این اتهامات دروغین را رد می‌کند ، اما ناتوانی یا عدم کفایت خود را نفی یا پنهان نمی‌کند. بلکه برعکس ، دقیقاً زمانی که او ضعیف و کاملاً بی‌کفایت است ، آنگاه خدا می‌تواند او را در خدمت خود بکار بگیرد. واقعیت انکارناپذیر این است که تنها به‌هنگام ناتوانی او است که قدرت موجود در خدمت او بطور کامل قدرت خدا می‌گردد. این تضادی شگرف بین ضعف انسانی او و قدرت همیشه پیروزمند خدا است که از طریق او تجلی می‌یابد و به همین دلیل اصالت رسالت او بطور تزلزل‌ناپذیر بر دنیا آشکار می‌گردد.

بنابراین ، پولس از یک سو ، توجه خواننده را به رنجها ، مخاطرات ، سختی‌ها و ضعف سلامت خود که در حین انجام وظیفه و رسالت خود متحمل شد معطوف می‌گرداند. و از سویی دیگر او توجه را بسوی قدرت عظیم خدا معطوف می‌سازد که در خدمت او و از طریق خدمت او متجلی می‌گردد. او از این راه حقیقت این تناقض شگفت‌انگیز را به خوانندگان خود می‌فهماند ، یعنی این نکته که ناتوانی انسانی و قدرت الهی با همدیگر همکاری می‌کنند. "ضعف انسانی به مثابه معلولیت یا مانع نیست ، بلکه ضعف انسانی فرصتی است ایده‌آل برای پیروزمند شدن فیض و قدرت خدا". خادم خدا هر چقدر به کفایت خود تکیه کند ، به همان میزان از یگانه کفایت خود ، یعنی از فیض خدا دور می‌شود و آن را انکار می‌کند. و به همان میزانی که خادم خدا بر بی‌کفایتی خود تکیه کند ، به همان میزان می‌تواند به تنها کفایت فیض خدا تکیه کند.

برای نمونه در دوم قرن‌تیان ۱: ۸-۹ پولس می‌فرماید: "چه سختی‌ها کشیدیم. فشار مشکلات بحدی بود که امید نداشتیم زنده بمانیم ... تا دیگر به خودمان متکی نباشیم ، بلکه به خدا ... توکل کنیم". در فصل ۲: ۱۲-۱۴ او می‌فرماید: "بسیار نگران شدم ... اما خدا را شکر. چون همواره ما را در پیروزی مسیح سهیم می‌سازد". در فصل ۳: ۵-۶ می‌فرماید: "قادر نخواهیم بود با تکیه به نیروی خود کار با ارزشی برای خدا انجام دهیم ، چون قابلیت‌ها و موفقیت‌ها ما از خداست". در فصل ۴: ۷-۱۰ می‌فرماید: "اما این گنج گرانبها یعنی قدرت انجام این خدمت روحانی در ظرف‌های نابودشدنی یعنی در بدنهای ضعیف ما قرار دارد تا همه بدانند که قدرت عظیم پیغام ما از سوی خداست ، نه از خودمان. زحمات از هر طرف بر ما فشار می‌آورند اما از پا در نمی‌آییم. از مشکلاتی که برای ما پیش می‌آیند دچار حیرت می‌شویم چون علت آن را درک نمی‌کنیم اما هیچگاه دلسرد نمی‌شویم و از خدمت خدا دست نمی‌کشیم. مردم ما را آزار می‌دهند اما خدا ما را هرگز تنها نمی‌گذارد. زمین می‌خوریم اما به یاری خدا باز برمی‌خیزیم و به پیش می‌رویم. همانگونه که مسیح با مرگ روبرو شد ما نیز همواره در خطر مرگ قرار داریم. پس زنده بودن ما، در واقع دلیلی است بر زنده بودن عیسی".

تکلیف برای هفته آینده

- اول . در طول هفته آینده ، غلاطیان ۱-۶ را بخوانید. دو هفته بعد ، به معرفی رساله به غلاطیان خواهیم پرداخت.
- دوم . کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید . این آدرس را به حروف تکرار میکنم
- سوم . هر شب تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .